

مجله اقتصادی

شماره‌های ۱۱ و ۱۲، بهمن و اسفند ۱۳۹۶، صفحات ۲۴-۵

اقتصاد مقاومتی در صنعت گاز

فتح‌اله تاری

استادیار دانشگاه علامه طباطبائی

tarifath@gmail.com

صدیقه‌سادات سیدعلی روته

دانشجوی دکتری اقتصاد نفت و گاز

seyedali.sedighe@gmail.com

شرایط اقتصادی امروز در کشور ایران، با وجود تحریم‌های بسیاری که وجود دارد از بحرانی‌ترین شرایط اقتصادی دوران جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. وجود تحریم‌هایی که توسط کشور آمریکا به ایران تحمیل شده است و روزبه‌روز این تحریم‌ها بیشتر می‌شود، باعث ناهنجاری‌های اقتصادی شده است. از این رو اقتصاد مقاومتی که توسط مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۹ مطرح شده، بر این هدف استوار است که با وجود تحریم‌ها و فشارها می‌توان به رشد و شکوفایی رسید. منظور از این شکوفایی، حمایت از تولیدات و منابع داخلی کشور است. در این میان یکی از ابعاد اقتصاد مقاومتی در صنعت گاز به عنوان یکی از مهم‌ترین حامل‌های انرژی است. از دیرباز درآمدهای نفتی و حامل‌های انرژی باعث عدم موفقیت در درآمدهای غیرنفتی شده است. هدف اقتصاد مقاومتی در مسیر توسعه صنعت گاز، جلوگیری از خام‌فروشی و استفاده مناسب گاز در زیرساخت‌های کشور است. با توجه به مطالب بیان‌شده می‌توان اذعان کرد اقتصاد مقاومتی زمانی می‌تواند به موفقیت برسد که میزان حمایت‌ها نسبت به تولیدات داخلی و منابع انسانی افزایش یابد و در این راستا وابستگی کشور به درآمدهای نفتی کاسته شود. واژگان کلیدی: صنعت گاز، اقتصاد مقاومتی، حامل‌های انرژی، شاخص‌های مقاومتی.

۱. مقدمه

فضای اقتصادی ایران امروز رویدادهای ویژه و منحصر به فرد اقتصادی را شاهد است که وقوع برخی از آن‌ها تاکنون در دنیا سابقه نداشته است؛ از این رو زمانی که شرایط ویژه و بدون الگویی به وجود می‌آید، ضرورت نوآوری و ایده‌پردازی از سوی صاحب‌نظران برای برطرف کردن چالش‌های اقتصادی ضرورت پیدا می‌کند. در هیچ یک از مکتوبات و نظریه‌های متداول اقتصادی غرب، الگو و پیشینه نظری و عملی مشخصی درباره اقتصاد مقاومتی نمی‌توان یافت که برای مشکلات اقتصادی همچون تحریم بانک مرکزی، تحریم صنعت نفت و ... در آن نسخه شفابخشی ارائه شده باشد؛ اقتصاد مقاومتی ادبیاتی است که در مقابله با تحریم‌های بین‌المللی مطرح شده است. هم‌اکنون اقتصاد ایران باید بر مبنا و اصول درستی گام نهد تا از این رهگذر بتواند بر تحریم‌های بین‌المللی فائق آمده و تهدید تحریم را به فرصت تبدیل کند (میلانی، ۱۳۹۴). در حال حاضر، حفظ ثبات اقتصادی با به حداقل رساندن آسیب‌پذیری بخش‌های مختلف اقتصادی هدف مهمی است که با طرح اقتصاد مقاومتی تدابیر تأمین و تحقق هدف یادشده اتخاذ گردیده است (زیرک، ۱۳۹۴). اقتصاد مقاومتی که توسط رهبر انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۹۲ ابلاغ شد، تمامی جوانب کشور را مطرح کرده است. یکی از موارد مهم این ابلاغیه انرژی و تخصیص مصرف بهینه گاز است. انرژی از جمله عواملی است که در اکثر فعالیت‌های اقتصادی مورد استفاده قرار می‌گیرد. امنیت ملی اکثر کشورها در گرو دسترسی مطمئن به انرژی است. از این رو، آینده تولید و مصرف حامل‌های انرژی و کاربرد بهینه آن‌ها از اهمیتی خاص برخوردار است. بخش اعظم انرژی مصرفی در ایران، از سوخت‌های فسیلی و نفت و گاز (۹۹/۳٪ در سال ۱۳۸۷) تأمین می‌شود. با توجه به محدودیت‌های افزایش تولید نفت خام و گاز طبیعی، رشد فزاینده مصرف فرآورده‌های نفتی و گاز، وابستگی اقتصاد و بودجه عمومی به درآمدهای فروش نفت خام و مالکیت نسل‌های آینده بر منابع طبیعی، لزوم بهینه‌سازی در بخش‌های عرضه و تقاضای نفت و گاز کشور، واقعیتی انکارناپذیر است (اسعدی، ۱۳۸۶). با توجه به اهمیت موضوع در این جستار به تخصیص بهینه گاز با رویکرد اقتصاد مقاومتی می‌پردازیم.

۲. مفهوم اقتصاد مقاومتی

تحریم واژه‌ای است که پس از انقلاب اسلامی همواره به عنوان ابزاری برای استفاده دنیای غرب و به خصوص آمریکا در جهت نیل به مقاصد خود و عقب‌نگه داشتن جمهوری اسلامی مورد استفاده

قرار گرفته است. اگرچه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، کشور همواره مورد تحریم بوده است، ولی شدت و هدفمندی تحریم‌ها در چند سال اخیر افزایش یافته است. در چنین شرایطی، برای جلوگیری و توقف پیشرفت کشور در پشت عنوان توقف برنامه‌های هسته‌ای، اقتصاد به عنوان هدف اصلی دشمن انتخاب شده است. در نتیجه عمده فعالیت‌های دشمن در جهت ناکارآمد نمودن اقتصاد کشور و فلج کردن آن صورت می‌گیرد. اصولاً توانایی و قدرت اقتصادی هر کشوری نه تنها در حفظ استقلال حاکمیت ملی نقش مهمی را بازی می‌کند، بلکه برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی یک کشور که دارای اهداف وسیع سیاسی، ایدئولوژیکی و اقتصادی جهانی است، مهم‌ترین عامل و اهرم به شمار می‌رود (محمدی، ۱۳۹۱). امروزه قدرت ملی ارتباط مستقیمی با درک مفاهیم اقتصاد ملی دارد و اکثر کشورهای دنیا به این باور رسیده‌اند که حضور موفق در عصر کنونی در جهت کسب دستاوردهای استراتژیک بی‌گمان در بستر تعاملات ملی، منطقه‌ای و جهانی صورت می‌پذیرد و بی‌شک بدون امنیت که بستر و پیش شرط داشتن اقتصادی مقاوم و پویاست، نمی‌توان در این راستا قدم برداشت. با توجه به شرایط فشار و اعمال تحریم یک‌جانبه غرب علیه ایران، مفهوم اقتصاد مقاومتی به عنوان اقتصادی که توانایی دفع فشارها و تحریم‌ها را داشته باشد و در عین حال اقتصادی شکوفا باشد برای وضعیت امروزه کشور بهترین راه چاره است. این مفهوم را برای اولین بار مقام معظم رهبری به کار بردند: «اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که به یک ملت امکان و اجازه می‌دهد که حتی در شرایط فشار هم رشد و شکوفایی خودشان را داشته باشند». این تعریف از اقتصاد مقاومتی توسط مقام معظم رهبری بیان شد و تأکید داشته‌اند که اقتصاد مقاومتی معنایش حصار کشیدن دور خود و فقط انجام یک کارهای تدافعی نیست و نیز اقتصاد مقاومتی به مفهوم مدیریت شرایط موجود کشور به صورتی که مخاطره‌ها را به حداقل رسانده است؛ به عبارت دیگر، ایجاد نهاد لازم در اقتصاد ایران (به کارگیری مجموعه‌ای از سیاست‌ها، قوانین و تدابیر اجرایی) که خطرپذیری آن را در برابر تکان‌ها و اختلال‌های آسیب‌زننده داخلی و خارجی، به‌ویژه تحریم‌های بین‌المللی، به حداقل رسانده و زمینه را برای دستیابی ایران به پیشرفت‌های پایدار اقتصادی فراهم کند که با توجه به این موارد، یکی از مهم‌ترین راه‌های کمک‌کننده به ایجاد این زیرساخت‌ها برای اقتصاد مقاومتی، توسعه بخش کشاورزی است. اقتصاد مقاومتی که از طرف رهبری مورد اشاره قرار گرفته است، برای آنکه در کشور اجرا شود و الگوی مناسب آن طراحی گردد، باید دو مشخصه بارز اسلامی و ایرانی بودن را به همراه داشته باشد. الگوی

اقتصاد مقاومتی از جنبه اسلامی بودن آن متناظر با اهداف و آرمان‌های جامعه است و از جنبه ایرانی بودن آن نیز ناظر به مسائل و نیازهای بومی کشور ایران است (کریم و همکاران، ۱۳۹۳).

۳. چگونگی شکل‌گیری سیاست‌های اقتصاد مقاومتی

آیا سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، حرکتی مقطعی است که تحت فشار تحریم‌ها شکل گرفته است و لذا ارتباطی با سیاست‌های کلان بلندمدت پیدا نمی‌کند؟ چرا که پاسخ این سؤال طرح اصلی در چرایی بررسی تأثیر این سیاست‌ها بر سیاست‌های معماری و صنعت ساختمان خواهد بود. پاسخ قاطعانه رهبر انقلاب به این سؤال پاسخی کاملاً منفی بوده، چنانچه به زعم ایشان، اقتصاد مقاومتی به هیچ وجه سیاستی مقطعی نیست، بلکه تدبیری راهبردی است که برای همه دوره‌ها چه تحریم باشد و چه نباشد مفید و راهگشا و پیش‌برنده است. در ادامه به چرایی شکل‌گیری سیاست‌های ابلاغی به اختصار از دیدگاه رهبر معظم انقلاب اشاره می‌شود:

۱. ظرفیت‌های انسانی، مادی و جغرافیایی کشور: آیت‌الله خامنه‌ای در تشریح علل و انگیزه تدوین و ابلاغ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی به بیان چهار عامل اصلی پرداختند: ظرفیت‌های فراوان مادی و معنوی کشور، حل مشکلات مزمن و دیرپای اقتصادی، مقابله با تحریم‌ها و کاهش کامل تأثیرپذیری اقتصاد کشور از بحران‌های اقتصاد جهانی. ایشان در این خصوص افزودند: ظرفیت‌های عالی انسانی، سرمایه‌های «معدنی، طبیعی و صنعتی» و نیز موقعیت ممتاز جغرافیایی کشور انگیزه‌ای قوی برای طراحی الگوی پیش‌تاز اقتصادی یعنی اقتصاد مقاومتی بوده است.

۲. مشکلات مزمن اقتصادی نظیر تورم، بیکاری، وابستگی به نفت و واردات بی‌رویه: آیت‌الله خامنه‌ای در تشریح دومین انگیزه ابلاغ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی به ضرورت حل مشکلات موجود تکیه کردند. ایشان افزودند: مشکلات مزمن و دیرپایی همچون تورم، بیکاری، وابستگی به نفت، واردات بی‌رویه، معیوب بودن برخی ساختارها، پایین بودن بهره‌وری و الگوی ناصحیح مصرف، جز با یک حرکت برنامه‌ریزی‌شده برای مقاوم‌سازی اقتصاد برطرف نمی‌شود.

۳. جنگ تمام‌عیار اقتصادی: رهبر انقلاب، مقابله با جنگ تمام‌عیار اقتصادی دشمنان را از دیگر عوامل تدوین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بیان کردند و افزودند: تحریم‌ها قبل از

موضوع انرژی هسته ای نیز وجود داشته و اگر مذاکرات هم به نقطه حل برسد وجود خواهد داشت، چراکه هسته ای و حقوق بشر و مسائل دیگر بهانه ای بیش نیست و زورگویان جهانی از استقلال طلبی و الگو شدن ملت ایران در هراسند. ایشان افزودند: برای علاج قطعی فشارهای اقتصادی دشمنان، باید به گونه ای اقتصاد خود را قوی و مستحکم کنیم که آن‌ها از تأثیرگذاری فشارهای خود مأیوس شوند که این هدف با اجرای سیاست‌های ابلاغ شده محقق خواهد شد.

۴. ضرورت کاهش تأثیرپذیری از بحران‌های جهانی: حضرت آیت الله خامنه‌ای، چهارمین عامل تدوین سیاست‌های مقاوم‌سازی اقتصاد کشور را ضرورت کاهش تأثیرپذیری از بحران‌های جهانی خواندند و گفتند: این عوامل چهارگانه باعث شد طراحی مدل اقتصاد مقاومتی در دستور کار نظام قرار گیرد (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰، به نقل از بلندپایان و ناصری، ۱۳۹۴).

۴. مبانی اقتصاد مقاومتی

اعمال تحریم‌های یک جانبه و غیرقانونی همواره یکی از ابزارهای غیرقانونی نظام سلطه برای وارد آوردن فشار به نظام جمهوری اسلامی ایران بوده است، کما اینکه اندکی پس از پیروزی انقلاب اسلامی و پس از تسخیر لانه جاسوسی ایالات متحده، آمریکا قانون تحریم نظام جمهوری اسلامی ایران را به اجرا گذاشت و در طول ۳۰ سال گذشته نیز مرتباً بر حجم این تحریم‌ها افزوده شد. رهبر معظم انقلاب بعدها مدل اصلی برای اقتصاد کشور را مدل اقتصاد مقاومتی عنوان کردند و در جمع کارآفرینان کشور در ماه مبارک رمضان سال ۱۳۸۹ به تشریح این مسئله پرداختند. ایشان در این دیدار با اشاره به ضرورت توجه به مدل جدیدی از اقتصاد به نام اقتصاد مقاومتی تصریح کردند: «ما باید یک اقتصاد مقاومتی واقعی در کشور به وجود بیاوریم. امروز کارآفرینی معنایش این است. دوستان درست گفتند که ما تحریم‌ها را دور می‌زنیم؛ بنده هم یقین دارم ملت ایران و مسئولین کشور تحریم‌ها را دور می‌زنند، تحریم‌کنندگان را ناکام می‌کنند؛ مثل موارد دیگری که در سال‌های گذشته در زمینه‌های سیاسی بود که یک اشتباهی کردند، یک حرکتی انجام دادند، بعد خودشان مجبور شدند برگردند، یکی یکی عذرخواهی کنند. چند مورد یادتان هست لابد دیگر. حالا جوان‌ها نمی‌دانند. در این ده بیست سال اخیر، از این کارها چند بار انجام دادند. این دفعه هم همین جور است. البته تحریم برای ما

جدید نیست، ما ۳۰ سال است در تحریم هستیم. همه این کارهایی که شده است، همه این حرکت عظیم ملت ایران، در فضای تحریم انجام گرفته؛ بنابراین کاری نمی‌تواند بکنند. ولی این دلیلی است برای همه مسئولان و دلسوزان کشور که خود را موظف بدانند، مکلف بدانند به ایجاد کار، به تولید، به کارآفرینی، به پررونق کردن روزافزون این کارگاه عظیم؛ که کشور ایران حقیقتاً امروز یک کارگاه عظیم است. همه خودشان را باید موظف بدانند» (دفتر حفظ و نشر آثار، ۱۳۹۱).

اقتصاد مقاومتی یک نظام اقتصادی است که هماهنگ با سیاست‌های کلان سیاسی و امنیتی نظام اسلامی و برای مقاومت در برابر اقدامات تخریبی شکل بگیرد تا بتواند در برابر ضربات اقتصادی تحریم‌ها و توطئه‌های گوناگون اقتصادی نظام استکبار مقاومت کرده و توسعه و پیشرفت خود را ادامه دهد و روند رو به رشد همه‌جانبه خود را در ابعاد ملی، منطقه‌ای و جهانی حفظ کند. اقتصاد مقاومتی رابطه نزدیکی با انسجام ملی دارد. منظور از اقتصاد مقاومتی واقعی یک اقتصاد مقاومتی فعال و پویاست نه یک اقتصاد منفعل و بسته، به طوری که کشور ضمن مقاومت در مقابل موانع و نامایمات مسیر خود، روند پیشرفت پایدار خود را حفظ کند (عسگری، ۱۳۹۱). مفهوم اقتصاد مقاومتی به این معناست که حتی در فرایند فشار روند رو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند و آسیب‌پذیری آن کاهش یابد و کمتر آسیب ببیند (سیف، ۱۳۹۱). هدف اقتصاد مقاومتی بازسازی و احیای اقتصاد ملی است. این نوع اقتصاد، مردمی است و از ظرفیت‌های مردم و نخبگان در آن استفاده می‌شود، ضمن اینکه از دانش فنی دنیا هم در آن استفاده می‌شود (رضایی، ۱۳۹۱). اقتصاد مقاومتی یعنی اقتصادی که با توجه به همه قوت‌ها و ضعف‌های داخلی و خارجی و تهدیدها و فرصت‌های بیرونی سناریوسازی می‌کند و برای هر شرایطی برنامه دارد و محیط‌سنج است و درون و برون را به خوبی می‌شناسد و برای تغییرات واکنش مناسبی دارد (حسین‌زاده، ۱۳۹۲). چهار راهبرد کنترل، مهار، کم‌اثر و در نهایت بی‌اثرسازی تهدیدها در فرایند اقتصاد مقاومتی باید مورد توجه قرار گیرد. اقتصاد مقاومتی یک بحث تئوریک محض مختص دانشگاه و حوزه نیست، بلکه بیشتر اقتصاد کاربردی است. اقتصاد مقاومتی یک شعار نیست، یک واقعیت اقتصادی است که شاخص‌های آن ریشه در عمل دارد، نه حرف. این دیدگاه جدید به اقتصاد را می‌توان با واژه اقتصاد مقاومتی به مجامع علمی معرفی کرد و حتی در مفهوم دقیق‌تر، می‌توان از واژه اقتصاد سیاسی مقاومتی استفاده کرد و برای ارزیابی آن شاخص‌های اقتصاد سیاسی را تعریف و استخراج نمود، زیرا این واژه یک مفهوم اقتصاد سیاسی است تا یک مفهوم

اقتصادی و در پی راه‌حل‌های اقتصاد سیاسی است که در عمل و کاربرد بتواند مبتنی بر اقتصاد اسلامی باشد تا نه تنها بر بحران‌های ایجاد شده در عرصه اقتصاد سیاسی فائق آید، بلکه مسیر اقتصاد را در جهتی قرار دهد که آمادگی و آینده‌نگری لازم نیز اتخاذ شده باشد (میلانی، ۱۳۹۴).

تعاریف متعددی برای اقتصاد مقاومتی ذکر شده است و آن را با نظریه‌های اقتصادی دیگری مترادف و نزدیک دانسته‌اند. از جمله برای اقتصاد مقاومتی چهار تعریف قائل می‌شوند که عبارتند از:

۱. اقتصاد موازی: تعریف اول از اقتصاد مقاومتی به مثابه اقتصاد موازی است؛ یعنی همان طور

که انقلاب اسلامی با توجه به نیاز خود به نهادهایی با روحیه و عملکرد انقلابی، اقدام به تأسیس نهادهایی مانند کمیته امداد، جهاد سازندگی، سپاه پاسداران و بنیاد مسکن نمود، امروز نیز باید برای تأمین اهداف انقلاب این پروژه را ادامه داده و تکمیل کند؛ چراکه انقلاب اسلامی به اقتصاد مقاومتی و به نهادهای مقاومتی در اقتصاد نیاز دارد که چه‌بسا ماهیتاً از عهده نهادهای رسمی اقتصادی بر نمی‌آید. پس باید نهادهایی موازی برای این کار ویژه ایجاد کند. این امر البته به معنای نفی نهادهای مرسوم نیست، کما اینکه اکنون ما هم‌زمان از هر دو نهاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نهاد ارتش جمهوری اسلامی برای دفاع از انقلاب بهره‌مندیم. البته این الگو در مدل‌های حکمرانی مرسوم در دنیا و اتفاقاً در کشورهایی که از تجربه و توان حکمرانی بیشتری برخوردار باشند وجود دارد و این کشورها از نظام‌های چندلایه سیاست‌گذاری و اداره امور عمومی برخوردارند. به عنوان مثال می‌توانیم از حضور هم‌زمان نهادهای دولتی، سازمان‌های مردم‌نهاد، خیریه و بنگاه‌های خصوصی در عرصه بهداشت و سلامت یا حتی در عرصه دفاعی و امنیتی کشورهای توسعه‌یافته غربی نام ببریم. البته مهم‌ترین مشکل این الگو این است که حسب نیازهای خاص انقلاب اسلامی و در عرصه اجرا با پرسش‌های نوینی روبرو خواهد بود، زیرا مثلاً هیچ تصویری از بانک مرکزی موازی در یک کشور و سامان بخشی به عرصه پولی-مالی کشور در دولایه دولتی و عمومی وجود ندارد؛ اما باز هم منطقاً نمی‌توان این الگو را در زمره مدل‌های اداره نشدنی و غیرمعقول به حساب آورد (پیغامی، به نقل از میلانی، ۱۳۹۴).

۲. اقتصاد ترمیمی: تعریف دوم از اقتصاد مقاومتی عبارت از اقتصادی است که در پی مقاوم‌سازی، آسیب‌زدایی، خلل‌گیری و ترمیم ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی است؛ یعنی اگر در رویکرد قبلی می‌گفتیم که فلان نهاد نمی‌تواند انتظارات ما را برآورده کند، در رویکرد جدید در پی آن هستیم که با بازتعریف سیاست‌های نهادهای موجود، کاری کنیم که انتظارات ما را برآورند. مثلاً در این تعریف، ما از بانک مرکزی یا وزارت بازرگانی می‌خواهیم که کانون‌های ضعف و بحران را در نظام اقتصادی کشور شناسایی کنند و خود را بر اساس شرایط جدید اقتصادی، تحریم‌ها یا نیازهای انقلاب اسلامی بازتعریف نمایند و در نتیجه عملکردی جهادی ارائه دهند. در مقام تمثیل می‌توان گفت این کار شبیه همان کاری است که پتروس فداکار با فروبردن انگشت خود در ترک دیواره سد انجام داد؛ یعنی باید ترک‌های ساختاری دیوار نهادهای اقتصادی را ترمیم کنیم. این مسئله یعنی ترمیم و مقاوم‌سازی ساختارهای اجرایی و اداری کشور حسب نیازهای مختلف و مقتضیات زمان و مکان هم امری دور از ذهن نیست. کشورهای توسعه‌یافته نیز در برهه‌هایی از تاریخ اقتصادی خود، مجبور به مقاوم‌سازی ساختارهای اقتصادی شدند. مثلاً غرب پس از دو شوک نفتی ۱۹۷۹ و ۱۹۸۳، اقدام به جایگزینی سوخت‌های فسیلی با سایر سوخت‌های نوین کرد؛ به طوری که امروزه با قیمت‌های بالای ۱۰۰ دلار نیز دچار شوک نفتی نمی‌شود. با این توضیحات ما امروز فقط نیازمند عزمی ملی برای اجرای این پروژه ملی و ارزشی هستیم (پیغامی، به نقل از میلانی، ۱۳۹۴).

۳. اقتصاد دفاعی: تعریف سوم از اقتصاد مقاومتی، متوجه هجمه‌شناسی، آفندشناسی و پدافندشناسی ما در برابر آن هجمه است؛ یعنی ما باید ابتدا بررسی کنیم که مخالفان ما حمله به اقتصاد ایران و اخلال در آن را چگونه و با چه ابزارهایی صورت می‌دهند. بنابراین وقتی به اقتصاد مقاومتی دست یافته‌ایم که ابزارها و شیوه‌های هجمه دشمن را پیشاپیش شناخته باشیم و بر اساس آن‌ها استراتژی مقاومت خود را علیه آنان تدوین و اجرا کنیم. بدیهی است تا آفند دشمن شناخته نشود، مقاومت متناسب با آن نیز طراحی و اجرا نخواهد شد (پیغامی، به نقل از میلانی، ۱۳۹۴).

۴. اقتصاد الگو: چهارمین تعریف نیز این است که اساساً اقتصاد مقاومتی یک رویکرد کوتاه مدت سلبی و اقدامی صرفاً پدافندی نیست؛ بر خلاف سه تعریف قبلی که اقتصاد مقاومتی را یا پدافندی یا کوتاه مدت می دانستند، این رویکرد چشم اندازی کلان به اقتصاد جمهوری اسلامی ایران دارد و یک اقدام بلندمدت را شامل می شود. این تعریف هم که به نظر می رسد دور از دیدگاه های رهبر معظم انقلاب نیست، رویکردی ایجابی و دوراندیشانه دارد. در این رویکرد، ما در پی اقتصاد ایدئالی هستیم که هم اسلامی باشد و هم ما را به جایگاه اقتصاد اول منطقه برساند؛ اقتصادی که برای جهان اسلام الهام بخش و کارآمد بوده و زمینه ساز تشکیل تمدن بزرگ اسلامی باشد. بدین معنا اساساً در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، یکی از مؤلفه های مهم الگو باید متضمن مقاومت و تحقق آن باشد. در این مقوله است که اقتصاد مقاومتی مشتمل بر اقتصاد کارآفرینی و ریسک پذیری و نوآوری می شود. البته همه این چهار تعریف از اقتصاد مقاومتی به نوعی باهم رابطه عموم و خصوص من وجه دارند، منتها برخی کوتاه مدت و برخی بلندمدت هستند و البته ترکیبی از استراتژی های مطلوب را نیز برایمان به تصویر می کشند (پیغامی، ۱۳۹۱، به نقل میلانی، ۱۳۹۴).

اقتصاد مقاومتی همان اقتصاد رقابتی مبتنی بر بازار است. در این الگو بر تقویت رقابت پذیری اقتصاد کشور، افزایش شفافیت، حذف زمینه های فسادزا و افزایش مشارکت مردم در فعالیت های اقتصادی تأکید می شود. همچنین توجه اکید به محورهایی مثل حفظ و تقویت مراودات تجاری و سیاسی با کشورهای دیگر، توجه به تأمین مالی از خارج، منطقی سازی اندازه دولت و کاهش سهم درآمدهای نفتی از منابع بودجه لازم و ضروری است. وی افزود: در مجموع اقتصاد مقاومتی مبتنی بر بازار است و در این راستا سیاست های سنجیده در چارچوب نظریه های علم اقتصاد به صورت هماهنگ باید به کار گرفته شود. البته این سیاست گذاری ها با محدودیت هایی مواجه است که اقتصاددانان با علم به این محدودیت ها باید به بررسی و رشد شاخص هایی مانند نرخ رشد تولید، کاهش نرخ تورم و نرخ بیکاری پردازند. اقتصاد مقاومتی مفهومی است که در پی مقاوم سازی، بحران زدایی و ترمیم ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی مطرح می شود که قطعاً باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت های عقلایی و مدبرانه، پیش شرط و الزام چنین موضوعی است. اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی ها و تأکید روی مزیت های تولید داخل و تلاش

برای خوداتکایی است. اقتصاد مقاومتی در رویارویی و تقابل با اقتصاد وابسته قرار می‌گیرد. اقتصاد مقاومتی نمی‌پذیرد که صرفاً مصرف‌کننده باشد، منفعل نیست و در مقابل اهداف اقتصاد سلطه‌ایستادگی می‌کند. اقتصاد مقاومتی به عنوان یک راهبرد و برنامه برای مدیریت وضعیت اقتصادی ایران در شرایطی که تحریم‌هایی علیه ایران وضع شده، مطرح است. اقتصاد ایران یک اقتصاد رانتی محسوب می‌شود که تلاش برای بهبود وضعیت اقتصادی بر پایه اقتصاد مقاومتی می‌تواند به افزایش تولید ملی و بومی‌سازی تکنولوژی صنعتی و مدرن منجر شود (به نقل از میلانی، ۱۳۹۴).

۵. وضعیت گاز طبیعی به عنوان یک حامل انرژی

چگونگی به کارگیری هریک از حامل‌های انرژی با توجه به تکنولوژی و امکانات موجود در بخش‌های مختلف نیازمند حل این مسئله است که حامل انرژی مربوطه را چگونه و با چه هزینه‌ای می‌توان تهیه کرد. بررسی‌های انجام‌شده در مورد موقعیت نفت نیز بر اهمیت این مسئله می‌افزاید، چراکه در ۳۰ سال گذشته قیمت‌های نفت نوسانات زیادی داشته و می‌توان انتظار داشت که در آینده این رفتار نوسانی به دلیل عدم پیش‌بینی وضعیت سیاسی و اقتصادی دوباره ظهور کند، به بیان دیگر، نفت خام در بلندمدت نه تنها از بعد قیمت، بلکه حتی از بعد تقاضا و عرضه تا اندازه‌ای نامطمئن است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۵)، از سوی دیگر، به دلیل اقتصادی نبودن توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر، عدم آگاهی و علاقه کشورها و عزم جدی آن‌ها سهم آن از کل عرضه انرژی اندک بوده و به علت مشکلاتی که هنوز بر سر راه استفاده از این نوع انرژی‌ها در سطح گسترده وجود دارد و نیز موانع زیست محیطی مربوط به انرژی‌های فسیلی، گاز طبیعی مهم‌ترین گزینه برای جایگزینی محسوب می‌شود. پیش‌بینی‌ها حکایت از آن دارد که در سال‌های آتی مصرف گاز طبیعی افزایش یابد، به طوری که بر اساس بررسی‌های صورت گرفته نسبت مصرف نفت خام به سوخت‌های فسیلی دیگر تا سال ۲۰۲۰ تقریباً ثابت خواهند ماند، اما پیش‌بینی می‌شود که سهم گاز طبیعی از ۲۳ درصد در سال ۱۹۹۹ به ۲۸ درصد از کل مصارف انرژی در سال ۲۰۲۰ افزایش یابد (سعیدی، ۱۳۸۱).

کشف میادین گازی جدید، بیشتر در اطراف مناطق نفتی پراکنده بوده است و تاکنون اکتشاف منابع گازی به‌طور فزاینده‌ای به همه قاره‌ها توسعه یافته و بیش از ۱۰۰ کشور دارای ذخایر اثبات شده‌ای هستند که از بعد اقتصادی قابل توسعه هستند. در این میان، منطقه خاورمیانه که از نظر

منابع نفتی نیز بسیار غنی است با داشتن سهمی برابر ۴۰/۱ درصد حجم ذخایر اثبات شده گاز طبیعی کل جهان، رتبه نخست را داشته و پس از آن، منطقه اروپا و اوراسیا ۳۵/۶ درصد از حجم کل ذخایر اثبات شده اختصاص داده است. اما بزرگ‌ترین تولیدکنندگان گاز طبیعی جهان کشورهای روسیه، انگلستان و نروژ هستند که متعلق به منطقه اروپا و اوراسیا هستند. منطقه خاورمیانه تنها ۱۰/۶ درصد سهم تولید جهانی را دارد که به این ترتیب در مکان چهارم قرار گرفته است. در این منطقه به ترتیب ایران با سهم ۳/۱ درصد رتبه نخست و سپس، عربستان سعودی و امارات متحده عربی با سهمی برابر ۲/۵ و ۱/۷ درصد از کل تولید جهان در رتبه‌های بعدی قرار دارند. بنابراین، با توجه به وسعت جغرافیایی منطقه خاورمیانه اگرچه منطقه‌ای غنی محسوب می‌شود، اما از کل تولید جهانی گاز طبیعی سهم ناچیزی را دارد که شاید دلیل اصلی آن پررنگ‌تر بودن نقش ذخایر نفتی این منطقه در اقتصاد کشورهای دارنده آن باشد که اجازه نداده است توجه بیشتری به منابع گازی بشود (اسماعیل‌نیا و سجادی، ۱۳۸۷).

۶. تخصیص بهینه گاز طبیعی

سیاست انرژی ایران در بخش گاز بر محورهای چهارگانه استفاده بهینه از منابع گاز طبیعی، افزایش سهم گاز در سبد مصرف انرژی داخلی، توسعه شبکه داخلی گاز و بهبود و ارتقای موقعیت ایران به عنوان یک صادرکننده گاز در بازار جهانی استوار است. از این رو گزینه تزریق گاز طبیعی به مخازن نفتی در واقع نوعی استفاده بهینه است. اما توسعه مصرف گاز طبیعی و گسترش شبکه گازرسانی در کشور در سال‌های اخیر از یک سو، و زمان‌بندی پروژه‌های تولیدی و عدم گسترش مناسب تولید گاز به دلیل محدودیت‌های مختلف از سوی دیگر، وضعیت تراز تولید و مصرف گاز طبیعی را به گونه‌ای تبدیل کرده که ضرورت اعمال مدیریت مصرف گاز را اجتناب‌ناپذیر ساخته است. تراز عرضه و تقاضای گاز طبیعی بر دو محور مصرف‌کنندگان و منابع عرضه‌کننده استوار است. زمینه‌های مختلف مصرف تعیین‌کننده میزان تقاضای گاز طبیعی است، بنابراین، طرف تقاضا برای گاز طبیعی شامل موارد زیر می‌شود:

- استفاده از گاز طبیعی برای مصارف داخلی شامل: استفاده گاز طبیعی در نیروگاه‌ها، صنایع و خوراک پتروشیمی، بخش خانگی و تجاری و حمل‌ونقل؛

- مصارف عملیاتی و ضایعات و اتلاف گاز طبیعی که در حین تولید، توزیع و مصرف روی می‌دهد؛
- گازهای سوزانده‌شده که به دلایلی از قبیل در دسترس نبودن امکانات پالایشی انتقال و یا هزینه‌بری بالای آن، در سر چاه نفت سوزانده می‌شوند؛
- تعهد صادرات گاز طبیعی به ترکیه؛
- مقدار گاز تزریقی به چاه‌های نفتی.
- و منابع تأمین‌کننده تقاضای یادشده عبارتند از:
- تولیدات داخلی شامل مقدار گازهای همراه، گازهای سبک و گازهای به دست آمده از مخازن مستقل گازی که بعد از تصفیه جزئی برای مصرف آماده است؛
- واردات گاز از کشور ترکمنستان (اسماعیل‌نیا و سجادی، ۱۳۸۷).

۷. صنعت گاز تجلی گاه اقتصاد مقاومتی

انرژی گاز به عنوان یکی از مؤلفه‌های نیروی محرکه اکثر فعالیت‌های اقتصادی جایگاه ویژه‌ای در توسعه دارد. روند شتابان توسعه اقتصادی و صنعتی در کشورهای جهان تا حدود بسیار زیادی به سطح مصرف انرژی ارتباط می‌یابد. سبد جهانی انرژی نشانگر این واقعیت است که علی‌رغم تلاش‌های زیاد برای متنوع کردن این سبد، همچنان نفت و گاز مهم‌ترین تأمین‌کنندگان انرژی جهان هستند. ایران به عنوان یک کشور رو به رشد دارای منابع غنی و گسترده و مخازن بزرگ گازی از جایگاه بسیار ویژه‌ای در جهان برخوردار است. با نگاه به گذشته این صنعت از حضور استعمارگران در سرزمین کهن ایران و اکتشاف نفت و گاز گرفته تا فراز و نشیب‌های آن که از ملی شدن این صنعت، شکل‌گیری انقلاب اسلامی، دوره‌های جنگ، بازسازی، توسعه و تحریم تأثیرپذیری داشته است، اهمیت بی‌نظیر آن بر همگان روشن است. همچنین صنعت گاز از مؤثرترین و بزرگ‌ترین صنایع رو به رشد در جهان و به‌ویژه ایران است. به همین نسبت حساسیت این بخش به تغییر معادلات اقتصادی و سیاسی در عرصه بین‌المللی با سایر بخش‌ها قابل مقایسه نیست. لذا می‌توان ادعا کرد که تحقق اقتصاد مقاومتی در ایران بیش از هر بخش دیگری حوزه صنعت نفت و گاز را دربر گرفته است. عمده‌ترین دلیل این ادعا، وابستگی اقتصاد کشور به نفت و گاز است. با اینکه سال‌ها اقتصاددانان و مدیران ارشد کشور در فکر راهکارهایی برای رفع وابستگی و یا خام‌فروشی

آن (مایعات گازی) در این بخش بوده اند، هنوز هم عمدتاً به صورت خام صادر شده و منبع درآمد خوبی برای کشور به شمار می آید؛ لیکن در راستای اهداف اقتصاد مقاومتی و وصول به شکوفایی اقتصادی بایستی خام‌فروشی انرژی (گاز مایع) قطع گردد (عرفاتی، ۱۳۹۴).

۸. ابعاد برجسته اقتصاد مقاومتی در صنعت گاز

از ابعاد مهم و مرتبط با اقتصاد مقاومتی در صنعت گاز می توان به اکتشاف، استخراج، تولید و بهره‌برداری، فرآوری، پژوهش و فناوری، ساخت داخل، منابع انسانی و خصوصی سازی اشاره کرد. اکتشاف در سیاست‌های ابلاغی از سوی رهبر معظم انقلاب مورد تأکید قرار گرفته و بر گسترش اکتشاف و شناخت کامل منابع کشور متمرکز است که خوشبختانه می توان در مقایسه با سال‌های آغازین اکتشاف گاز با حضور خارجی‌ان در کشور از آن به عنوان انقلابی یاد نمود. لذا کارنامه موفق صنعت گاز در این زمینه، گویای همت والای جهادگران این صنعت در کاهش وابستگی‌هاست. همچنین در تشریح استخراج، تولید و بهره‌برداری می توان گفت: افزایش ظرفیت تولید گاز علاوه بر اینکه مهم ترین مؤلفه در پیشتازی صنعت گاز به منظور تحقق اقتصاد مقاومتی به شمار می رود، در برنامه کاری وزیر محترم نفت جایگاهی ویژه دارد. لذا این مهم بایستی بیش از گذشته به بدنه صنعت القاء و فرهنگ مرتبط با آن نهادینه گردد تا ضمن توجه ویژه و بیش از پیش به تولید، طرح‌های توسعه‌ای نیز مورد توجه بدنه کارشناسی و مدیریتی این صنعت قرار گیرد. در این بخش نیز صنعت گاز به خودکفایی دست یافته و می توان گفت که دانش فنی آن در حال صدور است. قبل از تبیین بخش فرآوری، این نکته شایسته یادآوری است که منظور از استقلال به عنوان یکی از دو عنصر شعار اصلی انقلاب اسلامی، نوع پایدار آن است که دربرگیرنده ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... است. در حوزه اقتصادی این موضوع قابل تفکیک و بررسی است و جنبه استقلال صنعتی بیش از سایر بخش‌ها متوجه صنعت گاز است. تکمیل فرایند اکتشاف تا فرآوری با اندیشه ایرانی، تجلی استقلال صنعتی و ملی کردن حقیقی این صنعت است. به عبارت دیگر با تکمیل این فرایند می توان ادعا نمود که صنعت گاز از خام‌فروشی منابع (میعانات گازی حاصل از گاز طبیعی) به سمت ایجاد ارزش افزوده در منابع حرکت نموده و این به معنای تحقق استقلال صنعتی است. از این رو موضوع فرآوری در منابع از طریق توسعه زنجیره ارزش و ایجاد ارزش افزوده با تأکید بر افزایش تولید پتروشیمی و توسعه صنایع پایین‌دستی از طریق توجه بیشتر به بخش پالایش و

پتروشیمی ما را حول محور حذف تدریجی خام فروشی منابع و در مسیر تحقق اقتصاد مقاومتی یاری خواهد نمود (عرفاتی، ۱۳۹۴).

۹. شاخص‌های مقاومتی بخش گاز

تحقق اقتصاد مقاومتی به عنوان اقتصادی که علاوه بر هدف گسترش رفاه ملی، اهداف آسیب‌ناپذیری و بازدارندگی را دنبال می‌کند، مستلزم شناسایی و رفع نقاط آسیب اقتصاد ملی است. در تدوین راهبرد بخش گاز در تحقق حماسه اقتصادی باید افزون بر توجه به نقاط ضعف و قوت، فرصت‌ها و تهدیدهای احتمالی را نیز شناسایی و تحلیل کرد. حوزه انرژی کشور اعم از انرژی‌های تجدیدناپذیر (شامل نفت، گاز طبیعی، زغال سنگ، انرژی هسته‌ای) و انرژی‌های تجدیدپذیر (شامل سوخت‌های زیستی، برق آبی، زمین گرمایی، بادی و خورشیدی) در این «جنگ تمام‌عیار اقتصادی»، در خط مقدم حملات و تحریم‌های فراگیر قرار دارند. با سیر محتوایی در رهنمودهای رهبری معظم و خواست متخصصان و بررسی داده‌های مالی حوزه انرژی بالأخص بخش گاز می‌توان راهبردهای بخش انرژی در اقتصاد مقاومتی را در قالب محورهای ذیل زیر طبقه‌بندی نمود:

۹-۱. تولید صیانتی از میادین مشترک راهبردهای کلان بخش نفت در توسعه با رویکرد اقتصاد مقاومتی

استفاده از ظرفیت میادین مشترک باید در اولویت اول برنامه ریزان حوزه انرژی از منظر استخراج و فروش باشد. برای مثال در میدان پارس جنوبی، بزرگ‌ترین میدان گازی جهان، ارزش گازی که ذخیره شده است، معادل درآمد ۱۲۰ سال صادرات نفت خام تولیدی کشور است. مساحت این میدان ۹۷۰۰ کیلومتر مربع است که ۳۷۰۰ کیلومتر مربع آن در آب‌های سرزمینی ایران و ۶۰۰۰ کیلومتر مربع آن در آب‌های سرزمینی قطر قرار دارد. توجه صیانتی به استخراج انرژی از منابع مشترک منجر به ذخیره‌سازی پتانسیل‌های متنوع انرژی برای آیندگان این مرزوبوم شده و مهم‌تر حفظ ثروت ملی برای مصرف بهینه‌تر در آینده را فراهم می‌آورد.

۹-۲. تقویت بنیان‌های دانشی

چنانچه بنیان‌گذاری کارهای حوزه گاز بر پایه دانش پیش برده شود و به وجه غالب اقتصاد کشور نمود یابد، دستیابی کشور به قدرت اقتصادی را موجب می‌شود. تقویت بنیان‌های دانشی موجب ایجاد اعتماد و خودباوری ملی میان آحاد بخش‌ها بالأخص بخش انرژی می‌شود. بومی‌سازی علوم

مرتبط با بخش‌های انرژی همچون گاز، هم‌زمان با ایجاد پل ارتباطی نزدیک میان دانشگاه و صنعت، از یک طرف استقلال و خوداتکایی را به‌وجود آورده و از طرف دیگر قدرت اقتصادی و چانه‌زنی‌های سیاسی را در عرصه بین‌المللی فراهم می‌کند. در این راستا ایجاد الزامات قانونی جهت استفاده از فناوری‌های دانش‌بنیان در صنعت گاز، ایجاد زمینه‌های رقابت سازنده در میان سازندگان بومی، بازنگری در مقررات جذب و نگهداری منابع انسانی متخصص، خلاق و نخبه در صنعت نفت، استفاده بهینه و حداکثری از امکانات درون و بیرون صنعت در راستای کاهش هزینه‌های تولیدات دانش‌بنیان، تدوین استانداردهای مختلف مربوط به فرایند ایده تا بازار محصولات دانش‌بنیان، تجمع دانش فنی تولیدشده به منظور جلوگیری از دوباره‌کاری، تسریع و رفع موانع در دستیابی به اهداف مربوط به افزایش ضریب برداشت از مخازن گاز و توجه به ارتقاء دانش سازمان همراه با استفاده از مدیران دانش‌محور پیشنهاد می‌شود (عرفاتی، ۱۳۹۴).

۹-۳. حمایت از تولیدات داخلی

اگر رویکرد ما حمایت از تولیدات داخلی و تقویت چرخه صنعت ملی باشد، ابزار دشمن برای اعمال فشار در حوزه‌های اقتصادی عملاً بدون نتیجه می‌ماند. الهام‌بخش بودن برای حل بحران‌های اقتصادی جهان و به وجود آوردن فرصت برای مردم و فعالان اقتصادی برای نقش آفرینی از دیگر آثار اقتصاد مقاومتی است. پیروی از الگوی علمی و بومی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی، عامل ناکامی و عقب‌نشینی دشمن در جنگ تحمیلی اقتصادی علیه ملت ایران می‌شود و افزون بر آن، برای برخورد با موارد مشابه در آینده نیز ظرفیت بالقوه خوبی را پدید می‌آورد. شاید این تصور برای برخی وجود داشته باشد که اقتصاد مقاومتی، فقط برای دوران گذار و شرایط تحریم و به منظور دوام آوردن در برابر فشارهای مقطعی است و اقتصادی نیست که راه را به سوی پیشرفت هموار کند؛ اما اقتصاد مقاومتی، در حقیقت، اقتصاد پیشرفت و توسعه و رویکردی تحول‌خواه است که با عنایت کامل به ظرفیت‌های درونی کشور و نظام و برای شتاب بخشیدن به روند پیشرفت تنظیم گردیده است. سندی با این سطح از تفصیل و اهمیت، بیانگر جایگاه اقتصاد و اجتماع پرنشاط و دارای تحرک در جمهوری اسلامی ایران است. برخی این گونه تبلیغ می‌کنند که رسالت‌های انقلابی با رفاه عمومی و جامعه تولیدگر ارتباطی ندارد؛ اما سند سیاست‌های ابلاغی به‌وضوح نشان می‌دهد

که تولید و اقتصاد در کشور تا چه اندازه اهمیت دارد و همواره با نگاهی برآمده از تحولات دانشی و بینشی در عرصه اقتصاد، به دنبال سامان دادن اقتصاد و خلق توسعه است.

۹-۴. ایجاد امنیت روانی جامعه در مواجهه با تلاطم‌های اقتصادی

یکی از ابزارهای تأثیرگذاری دشمنان در جنگ اقتصادی بهره‌گیری از نوسانات برای برهم زدن آرامش روانی حریف و ایجاد عدم تعادل در آن از طریق عملیات ادراکی است. نگرانی مصرف‌کننده از کمبود یا گرانی احتمالی یک کالا در حال حاضر یا آینده نزدیک تا حدودی طبیعی به نظر می‌رسد، اما نکته مهم نوع مواجهه با موضوع در یک جامعه با آرمان‌های اسلامی و در حال مقاومت اقتصادی است. با اندکی برنامه‌ریزی فرهنگی و اقدامات متناسب، می‌توان آسیب‌های احتمالی را برطرف کرد. توجه به این مثال‌ها، اهمیت تمهیدات فرهنگی و اجتماعی، اقتصاد مقاومتی را به خوبی روشن می‌سازد. اگر فرهنگ‌سازی لازم در این مورد انجام شود، دشمن نمی‌تواند از تحریم‌های اقتصادی به عنوان اهرم فشار بر دولت و مردم استفاده کند.

۹-۵. نقش پژوهش در اقتصاد مقاومتی و خودکفایی

مؤلفه اساسی پژوهش و فناوری را می‌توان اثرگذارترین عامل در کاهش وابستگی‌ها قلمداد کرد. البته این به معنای عدم تعامل بین المللی نخواهد بود و باید اذعان داشت که تبادل تکنولوژیکی به هم‌افزایی خواهد انجامید. لیکن در شرایطی که دانش فنی مورد نیاز توسعه صنعت به دلایل مختلف از جمله تحریم در دسترس نباشد، حمایت ویژه از این بخش ضرورت بیشتری می‌یابد. لزوم توجه به این موضوع در سال‌های اخیر به دلایل شدت گرفتن تحریم‌ها بیش از گذشته قابل لمس است و موفقیت‌های صنعت گاز در این زمینه قابل تقدیر است. نمونه این موفقیت‌ها اقدامات برجسته پژوهشی و فناوری سال‌های اخیر است. به علاوه آنکه کسب جایگاه نخست فناوری در منطقه به عنوان چشم‌انداز این بخش در برنامه وزیر محترم نفت موردنظر بوده و همت والای پژوهشگران صنعت نفت را بیش از پیش می‌طلبد (عرفاتی، ۱۳۹۴).

۹-۶. خودکفایی در اقلام و تجهیزات

بخش عمده‌ای از توسعه صنعت گاز وابسته به تجهیزات و اقلام بااهمیت است. این بخش نیز در سال‌های اخیر به واسطه شدت تحریم‌ها دچار آسیب‌هایی گردیده که حمایت از سازندگان را اجتناب‌ناپذیر ساخته است. نام‌گذاری سال ۹۱ به نام سال تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی

از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی گویای اهمیت این موضوع و لزوم استمرار این حمایت هاست. در این صورت خودکفایی در تأمین تجهیزات و اقلام موردنیاز پروژه های ملی و به ثمر نشستن آن ها را شاهد خواهیم بود. تسهیل در روند شناسایی سازندگان توانمند و در عین حال گمنام، ساماندهی منابع تأمین اقلام متناسب با نیاز پروژه ها، روان سازی جریان اطلاعات بین عرضه و نیاز از جمله برنامه هایی است که به افزایش تعامل با متولیان ساخت داخل منجر خواهد شد.

۹-۷. فرهنگ سازی اقتصاد مقاومتی

اقتصاد ایران در شرایطی قرار دارد که هم می خواهد از رشد نسبی برخوردار باشد و هم اینکه در مقابل نیروهای استکباری بایستد. طبیعی است که پیاده سازی این راهبرد نیازمند اقدامات خاصی در نظام های اقتصادی کشور در حوزه تولید، توزیع و مصرف و اجرای پیرامون آن است. با این حال، آنچه مهم تر و زیربنایی تر از این اجزا و اقدامات است، تمهید زیرساخت ها و بایسته های فرهنگی و اجتماعی این موضوع مهم و ملی است. بسیاری از محققان علوم اقتصاد ریشه مسائل اقتصادی را در فرهنگ می دانند. میان اجرای اقتصاد مقاومتی در کشور و نحوه و سبک زندگی و فرهنگ اقتصادی و الگوی ذهنی و رفتاری جامعه رابطه مستقیمی وجود دارد و ریشه اصلاح مسائل اقتصادی در اصلاح فرهنگ اقتصادی، سبک زندگی مردم، الگوی مصرف و توسعه فرهنگ کار و تلاش و تولید ملی است. تحقق اقتصادی، که از انعطاف و چابکی لازم در مواجهه با تهدیدات و چالش های بیرونی برخوردار باشد و در صورت نیاز بتواند خود را با شرایط تحمیلی تطبیق دهد به هوشمندی و هدفمندی رفتار و فرهنگ اقتصادی نیازمند است. طبیعی است متناسب با رفتار و فرهنگ اقتصادی مطلوب بایستی مؤلفه های جامعه پذیری آن نیز تبیین و عزم عمومی برای تحقق آن به لحاظ فکری و روانی بسیج گردد. از این رو، به نظر می رسد که در مقطع کنونی، نیازمند یک رویکرد انقلابی و جهادی در سبک زندگی هستیم. آن گونه که مشاهده می گردد، در دوره های اخیر الگوهایی از سبک زندگی مصرف گرا (مصرف مبتنی بر لذت) و تجملاتی در جامعه ما رسوخ یافته است. حال آنکه این مسئله دقیقاً در تضاد با آموزه های اجتماعی دین مبین اسلام در ترویج الگوی «مصرف بر اساس نیاز» است. در چارچوب راهبرد اقتصاد مقاومتی، مسئله اصلاح الگوی مصرف امری قابل توجه و جزء نیازهای بنیادین تلقی می شود. از این رو، «بازمهندسی رفتار مصرف کننده بر اساس اقتضائات ملی» باید محور شکل دهی به الگوی مصرف مطلوب در اقتصاد مقاومتی باشد. مؤلفه های

اقتصادی و حتی فناوری، ارتباط تنگاتنگی با ساخت‌های فرهنگی جامعه دارند. می‌توان گفت که تولید، توزیع و مصرف یک کالا در ارتباط مستقیم با نگرش‌ها و رفتار افراد جامعه است. از این رو، تحقق اقتصاد مقاومتی نیازمند تحقق پیش‌شرط‌های فرهنگی و اجتماعی آن است (عرفانی، ۱۳۹۴).

۱۰. نتیجه‌گیری

می‌توان به جرأت اذعان کرد که بحرانی‌ترین شرایط اقتصادی در هر کشوری تحریم‌ها و افزایش آن است. تحریم‌های اقتصادی باعث ناهنجاری‌های اقتصادی می‌شود و مشکلاتی از قبیل کاهش واردات، عدم ارتباط اقتصادی با دیگر کشورها و ... به وجود می‌آورد. هرچند که در این شرایط اقتصاد کشور دچار چالش‌های عدیده‌ای می‌شود، اما از طریق منابع و امکانات داخلی می‌تواند در این مسیر کمک‌شایانی به اقتصاد کشور کند. با توجه به این شرایط روشی باید اتخاذ نمود که کشور از نظر اقتصاد از بحران درآید، که بهترین روش توجه به اقتصاد مقاومتی است که این نوع روش توسط مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۹ مطرح گردید. تعریف مقام معظم رهبری از اقتصاد مقاومتی این است که این نوع اقتصاد می‌تواند حتی در شرایط فشار هم رشد و شکوفایی داشته باشد. هدف این نوع اقتصاد استفاده از تولیدات داخلی و به کار گماردن منابع انسانی داخلی است. تحریم‌ها از نظر سیاست خارجی از اهمیت بالایی برخوردار است، اما اقتصاد مقاومتی تولیدات داخلی را رونق می‌دهد. نگاه تیزبینانه مقام معظم رهبری به این مسئله نشان از درک بالا و آگاهی کامل از مسائل اقتصادی کشور است. یکی از مباحث اقتصاد مقاومتی اهمیت به انرژی و استفاده بهینه گاز است که از دید مقام معظم رهبری دور نمانده است. از دیرباز اقتصاد کشورها بر اساس مبادلات انرژی از جمله نفت و گاز بوده است. هرچند اقتصاددانان به دنبال روشی برای از میان برداشتن وابستگی نفت و گاز بوده‌اند، اما بازهم به موفقیت کاملی نرسیده‌اند و همواره خام‌فروشی نفت و گاز یکی از معضلات اقتصاد کشورها است؛ لذا در راستای اهداف اقتصاد مقاومتی باید از خام‌فروشی انرژی جلوگیری شود. لذا در راستای اقتصاد مقاومتی باید از تولیدات داخلی حمایت‌های لازم شود و وابستگی اقتصاد کشورها از حامل‌های انرژی کمتر گردد و تخصیص بهینه گاز (انرژی) به درستی انجام گیرد تا بتوان از طریق تولیدات داخلی و درآمدهای غیرنفتی به خودکفایی رسید و از این معضل (تحریم‌های اقتصادی) فاصله گرفت.

منابع

- اسعدی، فریدون (۱۳۸۶). «اهمیت و ضرورت بهینه سازی و کاهش شدت مصرف انرژی»، فصلنامه مجلس و پژوهش. سال ۱۳. شماره ۵۴. صص ۲۵۲-۲۷۸.
- اسماعیل نیا، علی اصغر؛ سجادی، شیرین (۱۳۸۷). «تعیین تخصیص بهینه مانده گاز طبیعی جهت تزریق به چاه‌های نفت و صادرات». فصلنامه اقتصاد مالی. دوره ۲. شماره ۲. صص ۹۹-۱۱۶.
- بلندیان، محمد مهدی؛ ناصری، سارا (۱۳۹۴). «رهیافتی بر شناسایی بایسته‌های سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بر سیاست‌های شهرسازی و صنعت ساختمان». مجله مدیریت شهری. شماره ۴۰. صص ۲۴۹-۲۶۷.
- حسین زاده، محمد حسین (۱۳۹۲). «اقتصاد مقاومتی راهکاری برای توسعه». مشکوه بهار. شماره ۱۱۸. صص ۱۳۸-۱۵۹.
- دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه‌ای (۱۳۹۱). «اقتصاد مقاومتی و حمایت از سرمایه ایران».
- زیرک، معصومه (۱۳۹۴). «آسیب شناسی مخاطره پذیری اقتصاد ایران بر مبنای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی». مجله اقتصادی، شماره ۹ و ۱۰. صص ۴۷-۷۶.
- رضایی، محسن (۱۳۹۱). «هدف از اقتصاد مقاومتی چیست؟». قابل دسترس در <http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=218340>.
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور (۱۳۸۵). «برآورد تولید و مصرف گاز طبیعی و نحوه تخصیص بهینه آن تا سال ۱۴۰۳». دفتر مطالعات زیربنایی.
- سعیدی، محمد علی (۱۳۸۱). «ضرورت تزریق گاز به میادین نفتی»، فصلنامه مجلس و پژوهش. شماره ۳۴. صص ۹۹-۱۳۳.
- سیف، اله مراد (۱۳۹۱). «الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه آفاق امنیت. سال ۵. شماره ۱۶. صص ۵-۲۲.
- عسگری، علی (۱۳۹۱). «۱۸ راهکار عملیاتی در اقتصاد مقاومتی». روزنامه جام جم. شماره ۳۵۱۵. مهرماه.

- عرفاتی، محمد (۱۳۹۴). «جایگاه گاز طبیعی در ایجاد خودکفایی و اقتصاد مقاومتی». تهران. همایش پنجاهمین سالگرد تأسیس شرکت ملی گاز ایران.
- کریم، محمدحسین؛ صفدری‌نهاد، محمود؛ امجدی‌پور، مسعود (۱۳۹۳). «توسعه کشاورزی و اقتصاد مقاومتی، جایگزین نفت». فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان. سال دوم. شماره ششم. صص ۱۰۳-۱۲۷.
- محمدی، منوچهر. (۱۳۹۱). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: اصول و مسائل. تهران. انتشارات دادگستر.
- میلانی، جمیل (۱۳۹۴). «اقتصاد مقاومتی و خودباوری ملی، فرصت‌ها و چالش‌های تحقق آن». مجله اقتصادی. شماره‌های ۷ و ۸. صص ۵-۲۲.